

صاحب امتیاز
و مدیر مسئول
دکتر اسمعیل
اردلان.

تفصیلی
نامه

کوشش

بهیچ حزب
دسته یا جمعیتی
بستگی ندارد

سال اول - شماره ۴۸

شنبه ۱۶ - آقند ۱۳۲۴

تک شماره ۴ ریال

بیماری

پایان سال اول

با انتشار این شماره یکسال از عمر مطبوعاتی نامه کوهستان میگذرد همانطور که بارها متذکر شده ایم هیچ چیز جوهر فکر ایجاد کننده بشره بنظور اسکس افکار اگر اه ایرانی و جلب توجه اولیاد دولت بنطاق کرد تئین و تشویق اصلاح طلبان بسیار به امور ملی که موجبات پرباشی مردمان این سامان گردیده درحالی که نمودار کنون که یکسال میگذرد که این آرزوی ما جامعه عمل پوشیده لازم میدانیم از کلیه کسانی که ما را در ادامه این خدمت تشویق نموده اند امتنان نموده و از کمک های بسیار و همکاری آنان تشکر کنیم.

ما را حل بر بی اطلاعی یا عدم توجه و یا نظر خصوصی بنمانند. در اینجا لازم است تذکر دهیم که ما در نوشته های خود نظریات خصوصی بکار نمیبریم و از بکار بردن آن جدا بزرگوار میکنیم و با کسی غرض حساب شخصی نداریم که بخواهیم تصدیق حکیم بنابر این اگر خواننده گان در نوشته های ما موضوعی را برخلاف واقع بداند خوب است پس تذکر بدهنه صحت اگر دچار اشتباه شده باشیم اشتباه ما رفع شده و از خواننده گان هم رفع شبهه کنیم.

ما را حل بر بی اطلاعی یا عدم توجه و یا نظر خصوصی بنمانند. در اینجا لازم است تذکر دهیم که ما در نوشته های خود نظریات خصوصی بکار نمیبریم و از بکار بردن آن جدا بزرگوار میکنیم و با کسی غرض حساب شخصی نداریم که بخواهیم تصدیق حکیم بنابر این اگر خواننده گان در نوشته های ما موضوعی را برخلاف واقع بداند خوب است پس تذکر بدهنه صحت اگر دچار اشتباه شده باشیم اشتباه ما رفع شده و از خواننده گان هم رفع شبهه کنیم.

آقای کلایی از جهت فروگذار نکردن در مهیاد آقای صدیق جدیری کوشش فراوان میدول داشته در ستر آقای دهنور سیمانه تبلیغ نموده در کرمانشاه آقای شاکری مجده همکاری داشته اند و در خرم آباد آقایان امین حسینی و اسداللهی علاقه خاصی بخرج داده اند و بنورد کتا فروشی انبال و در تبریز و رشاد بنایندگان اطلاعات و در گروس آقای فریدونی روزنامه را در دسترس علاقه مندان فرار داده اند در گیلان و شاه آباد غرب آقای پدانه رضایی که برادر خانها آقای حسین کاتبی و پنداد آقای مهدی جواد و در سیستان آقای جهان شیروان صاحبان آن از کمک بسروش روز نامه مشتاقانه نداشتند.

غیر از آقایان نامبرده فوق همه زیادی از علاقه مندان جدا در تبلیغ روز نامه و معرفی مشترکین جدید کوشش و علاقه خاصی میدول داشته از جمله آقای ایلخانی زاده پنجاه نفر مشترک و آقایان دیگر از یک تا بیست نفر معرفی کرده اند یکی دیگر از مشترکین نیز پنجاه روزنامه مشترک شده که قطعا هر یک که بروزنامه ما منظوری نداشتند آقای جعفر کریمی از مهیاد پنج هزار ریال و سه نفر بانوی کرد با دو بکون یکپاره و دو بیست ریال در هنگام عودت روز نامه از طرف آقایان سندجی ها برای جبران عمل آقایان ارسال داشته اند.

غیر از ککها که بطور اختصار ذکر شده غیر از فروش و به اشتراک بیایم آگهی ها اداره روزنامه کوهستان عایدی دیگری نداشته و با همین وجه بوده است که یکسال روزنامه ما آبرومندانه اداره شده است.

غیر از ککها که بطور اختصار ذکر شده غیر از فروش و به اشتراک بیایم آگهی ها اداره روزنامه کوهستان عایدی دیگری نداشته و با همین وجه بوده است که یکسال روزنامه ما آبرومندانه اداره شده است.

این بود وضع مالی روزنامه که لازم بود علاقه مندان از آن مستعطف باشند. سال آینده نیز در قطع روزنامه نمیتوانیم تغییری بدیم جو اینکه در همان قطع سمی کنیم با استفاده از افزایش ستونها جای بیشتری برای چاپ مطالب تامین نمایم ولی همینکه وضعیت مالی روزنامه اجازه دهد تغییرات اساسی داده خواهد شد.

خبرهای کشور

نصت وزیر و هبت اعزامی در مسکو

روز دو شنبه صبح هبت اعزامی ایران بسکو تحت ریاست آقای نصت وزیر از تهران حرکت و ساعت هشت و نیم صبح به یاد کو به رسیدند چون هوا مساعد بود حرکت آنها به روز بعد موکول گردید.

روز سه شنبه ساعت ۱۴ و ۳۰ دقیقه هوایی حامل هبت اعزامی در فرودگاه مسکو فرود آمد. مولوتف کبیر امور خارجه، کانوزف معاون کبیر امور خارجه و معاون کبیر ایای بلارگانی خارجی و ژرال سیونوف نایبند ارتش سرخ در حال دیگر شوروی در فرودگاه حضور داشتند.

فرودگاه با پرچمهای ایران و شوروی زینت یافته بود خانم آهی همراه اعضای دایرن سفارت شاهنشاهی ایران و سایر کارمندان وزارت خارجه برای استقبال فرودگاه آمد بودند.

نایبندگان سیاسی بالین تاموسی حضور داشتند در میان گروه پیشاری که در فرودگاه حضور داشتند سفرای کبار و وزرای مختار دولت های ترکیه، افغانستان و لهستان و یوگو اسلاوی و فنلاند و بلغارستان و حبشه و هلند و بلژیک و سوئیس و لوگرا، پروک و سوئد و کار داران سفارتخانه های انگل و آمریکا و ژلاند جدید کانادا و رایزان سفارتخانه های فرانسه و چک و اسلواکی و غیره مشاهده میشد.

مراسم احترام از طرف گارد شوروی پس از آمدن و موزیک سرود ملی ایران و شوروی رانواخت. نصت وزیر نطق مختصری در برابر میکروفون ایراد نموده گفت: این جانب بسیار شرفمندم که بتوانم یک نفر دوست سوسی یابم که کشور بزرگ دوست قدم میگذارم هبت نایبند کی ایران متسای گوشش را در راه تلویوت و تحکیم رشه های مودت که از دیر زمانی بین ایران و مسای بزرگ شمالی وجود داشته پکار خواهند برد.

سپس هبت نایبندگان ایران بکاخ اختصاصی که قبلا برایشان تدارک شده بود رهسپار شدند.

روز پنج شنبه آقای نصت وزیر در قصر کرملین از ژرالیسم استالین ملاقات نمودند در این ملاقات آقای مولوتف کبیر خارجه اتحاد جماهیر شوروی هم حضور داشت.

مذاکرات و ملاقات های آقای نصت وزیر در مسکو در محیط مسیانه ای جریان دارد آقای توام السلطنه در اثر ملاقات با ژرالیسم استالین همه ای از کارمندان عالی رتبه دولت شوروی و ملاقات و مذاکرات لازمه بعمل آورده اند.

تخلیه ایران از نیروی انگلیسی
ماژور ژرال ساوری فرمانده نیرو های انگلیسی در ایران و عراق که به تهران آمده بود پشایندگان مطبوعات اظهار داشتند که دوم مارس نزدیک است و در روز ۱۶ اسفند آخرین نیروی انگلیسی خاک ایران را ترک خواهد گشت.

تخلیه ایران از نیروی شوروی
دولت شوروی در نظر دارد آقای سادچیکف سفیر کبیر شود در پروگلاوی را بست سفیر کبیری آن دولت در ایران تعیین و اعزام دارد.

معاون ستاد ارتش
آقای سرهنک با تانفلیج به معاونت ستاد ارتش منصوب شده آقای سرهنک با تانفلیج از اسرار شریف با شهامت جدی و مطامع ارتش بوده و در خدمتی که به پند داشته اند کار دانی و هایتکی خود را بیرون نشان داده اند انتصاب ایشان به معاونت ستاد ارتش جای بسی امیدواری است و ما نیز بنوبه خود موفقیت ایشان را در خدمت بیباکت خواهیم خواستاریم.

فرخ در تهران
آقای فرخ استنادار فارس که به تهران احضار شده بودند روز سه شنبه وارد شده.

قوت دکتر نصر
آقای دکتر ولی الله نصر مدیر کل وزارت فرهنگ پس از مدتی کسالت هفت گذشت در گذشته روسا و کارمندان وزارت فرهنگ دو تشییع جنازه آن مرحوم شرکت نمودند.

ترجمه آقای منهد و شهناز

مفاره دزدان



سپس رانایل هراس را ترک کرده بیرون غار شناخت و وقتی بدر غار رسید سر او بر گرده امیده با دست از او خدا حانظی کرد.

امروز دیگر هراس موفقیت خود را طوری دیگر میدید با اینکه رانایل از کتک کردن باو در فرار خود داری کرده بود باز ناامید بود. امیده فرار دوباره در قلابش قوت میگرفت. سپس خود فکر میکرد و نقشه میریخت.

لابد مادرش دوستانی بیکار تشنه شاید همین امروز با همه سر باز یابنجا نباید او را آز دکنند. اما چرا بدبکران چشم امیده بدو زده. او خود جوان بود و نیروی زیادی در خود میدید فرار هم چندان غیر ممکن نبود.

همه خواب هستند هیچ نگهبانی هم بر در غار نیست بدون شک فراولی هم که در کنار آبشار میباشد هنوز بیست خود لرتت و آنجا هم کسی نیست. هیچ مانعی برای فرار نبود.

اما که چیزانقط یک چیز اورا از اجرای این تصمیم باز می داشت و آن زنجیرهای پایش بود.

زنجیرها بودند سکه توانالی کوچکترین حرکت را از او سلب میکردند. با کوچکترین حرکت روی زمین خورده صدای زیادی بلند میشد. بالاخره برای از پیش برداشتن این آخرین مانع چاره آن دید که خم شده آنها را با دست بگیرد و همین حال راه برود باین طریق توانست چند قدمی پیش رود اما زنجیرها راه رفتنش را بعضی کند کرده و دند که بکای امید او را میدل به یاس میکند.

پس از تلاش و گوش ز یاد خود را به در غار رسانید از آنجا هم گذشت و به خارج غار رسید. نسیم ملایمی بصورت رگه بریده اش خورد، حالش را دگرگون ساخت.

آه آزادی چندر لذت به است، اما انوس که او آزاده بود میخواست سرعت فرار کند ولی انوس نمیتوانست خسی راه برود. نفس زنان ایستاد اطراف را انگریست هیچکس آنجا نبود اما چنانچه زیر او گرزنجیرها هم نبود. چون راه را لبشناخت نمیتوانست فرار کند.

آهی هفت از سینه بیرون کشیده بر روی تفت سنگی افتاده پس آهسته با صدای ملالت بازی گفت: راستی من کلاما دیواه بودم که خیال میکردم میتوانم فرار کنم صدای نسیم آرزوی شنیده شد که گفت: پس چرا تلاش میکردی؟

هراس سر را بر گرده امیده آریکورا دید که خنده کتان به صحبت ادامه داده میگفت: شما مارا خیلی تازه کار می بندارید گمان می کنید که زهیده نگاهداری یک اسیر هم بر نی آیم؟

هراس با صدای تضرع آرزوی گفت: آری بس که شما را تا سناستی مشایبت کنید مادرم نصف دارا را خود را بشا خواهد داد آری بس که گفت: هر چه تلاش نکنید اینجا هیچکس در فرار شما کمک نخواهد کرد حتی اگر صدوق های پول باو تحویل دهید سپس بطرف غار حرکت کرد.

هراس چون خود را تنها دید آهسته آهسته حرکت کرده زیر یک درخت بزرگ فرار گرفته بدرباری فکر فرورفت و قنای گفته را از منکام ورود به میخانه به خاطر آورده مضمرا رانایل فرار او را باه بنود مشغول میداشت با خود میگفت این شش من چگونه انگلیسی باه گرفته چرا در میان چنین خونخواران و دزدانی زده گی میکند در صورتیکه اخلاق او با آنها توافق ندارد؟

چطور در میان این خدا شناسان توانست است قنیه مسکی بعد امیده کرده و آن را حفظ کند؟ اینها تفکراتی بود که از مغزله سحرسی جوان میگذاشت.

هراس دوباره بهرود آمد

تذکر

دو مدت سه هفته که روزنامه منتشر میشود دفتر روزنامه برای مراجعات از ساعت ۷ تا ۱۰ ظهر هر روز غیر از ایام تعطیل باز است.

در این مدت اگر ضروری باشد روزنامه بطور لوق آماده منتشر خواهد شد.

یاد آوری

از مشترکین مستر می که تا کنون وجه اشتراك روزنامه را نپرداخته اند تمنا میشود تا سال پایان یافته آنرا ارسال فرمایند.

کوهستان

بلم آقای مهندس کودزی تبریزی

دنیادر هفته پیش

ابرهای تیره آسمان سیاسی جهان و افراشته است

تضایبی سیاسی اخیر نشان داد موافقتیک دوردمبارنرا کس «دگر به» جدا ساخرانسکو حاملند سازش دم و هینکی محسوب نشود و برای هینت غیرقابل تیریرست .

اگر به ابرهای تیره که بلافاصله پس از غنانه شورا امینت با آن وضع اسرار آیز برانق سیاسی جهان پدیدار شد توجیه کیم و اگر توجیه خود را بر پایه توان سیاسی دولت عالی راسکه نیروی موز رادر جهان امروز تشکیل میدهند و کارگردان حقیقی جنگ و صلح هستند مبتنی کنیم و اگر روح لامن را بدرس های تاریخ و پژوهشالات مرماس آود و بوج: ا دور بریزیم و خستا اگر به فرمول های کیم که برای مدین باو ولی بارنگو ظاهر دیانزیه تری برای حیات بشین و خدمت به استعمار استصال بدست اشخاص نشاده اور سرشناس در شورا

مطرح و بواسطه هفتت باعث کشتی شکستی و از رونق افتادن شورا امینت شددقت کنیم و همچنین گریه (آو) برده و غلطیکه حریف هنیار و نکت بین که دوچه تا بزر آن صدچندان بوددوی نیز انجمن صلح جهانی گوید و بر بر بهترین اصول منکی بود بیشتر توجه نایم . در حقیقت سرهم و وقت شورا امینت را یافته و طت اینکه چرانواست شورا کوشش جدی برای تشکیل شالوده گدولتهای سه گانه بزرگ و کلیه ملل کوچک ریخته اند بسمل یآورد نمیدیم .

شورای امینت معمای «دو گو»

شورای امینت در آخرین روز های سرشود باینکسله مسائل عجیب مواجه شد که بابت حذف کامل ونفته شدن وقت آن تمام شد .

احراض یو کولای و سوریه و ولینان و فرقره یاد داشت رفیق ویشینکی و پروفسور ساووی لسی نماینده شوروی و لوکراین و درد قایق آخر با دواشت مجدد اعتراضیه هیت نمایندگان شوروی دایر بر وجود ارتش لهستانی که تحت نظر آندرس نامی به نمایندت مروری در نواحی مجاور مرز یو کولای مشموله برابر غلط تاریک و سهولتی که ابتدا در داخل تالار های «چرچ موس» وجود داشت و حذف جنبه های دیگر معاهده بطور کلی سبب ورشکست شدن شورا امینت جهانی گردید .

بطور کلی پس از طرح قضیه سوریه و ولینان در شورا از طرف نمایندگان معسوس این دولت همه منتظر بودند که پس از حل تضایبی مشکل و پیچیده نظیر مسئله بولان و آندروزی این مسئله بقودی خود حل شود ولی این موضوع آنطوریکه تصور می رفت ساده نبود و بنین حاصل شد که شکایت

سوریه و ولینان چریک آثریک سیاسی چور دیگری بوده است .

دولت انگلس از ابتدا با تمهیل ارتش خود از سوریه و ولینان موافقت نمود ولی در زمینو فسانده فرانسه خروج نیروهای فرانسه را منوط بنامین صلح صومی در شرق بدالست و در پایان گنگرها و در دقایق آخر در موقع اعترای نماینده شوروی از «حق و گو» خورد استفاده کرده و این آثریک سیاسی را بلااثر گذارد و شورا امینت پس از اسلمن ماندن این قضیه بلافاصله بطور موقت غایب یافت .

ما در اینجا بدون امین سکه زیاد وارد بیج و خم اساس نامه و مواد معسوس شورا امینت شویم از مسئله حق رأی کمی بحث میکنیم بدون شک خواننده کن متون سیاسی ما میدانند که وظیفه اصلی شورا امینت فقط حفظ صلح و امینت بین المللی است و پس روری همین «دربسی» بکلیه اعضا شورا امینت اختیار کافی داده شد و فقط به پنج دولت بزرگ که فرانسه انگلیس شوروی - آمریکا - چین - اتحاد شوریه کرسی دائم و حق معافیت با در توجیه داده شد .

اسولا در انجمن گریه اینها و تصمیم گرفته شد که «اندت تصمیم دربار» مسائل مربوط بوظائف شورا موکول به موافقت ۷ دلا از اعضاء شورا است بطرفی که اعضاء دائمی آن (پنج دولت بزرگ) در باره آن اتمان رأی داشته باشند یعنی هر هلی که شورا بخواهد انجام دهد باید اولاً دولتهای بزرگ در باره آن متفق الرای باشند و ثانیا دوشود دیگر از شورای امینت با آن موضوع موافقت داشته باشند و با این ترتیب تمام شد اگر یکی از دولت بزرگ مخالف یا تمسبی باشد بقودی خود در آن موضوع معسوس میتوان تمسبی گرفت و این حق معافیت که یکی از دولت بزرگ که از طرف انجمن ساخرانسکو داده شد «حق (وتو) نایده میشود .

مسکن است خواننده کن از این

بعدالنی (که مطمئنا اینطور نیست) منجیب شونده ولی مسلم است اگر سازمان بخواهد کاری انجام دهد و لغواحد مانده جامه گذشته جز یک دستکام نظریاتی چیزی باشد چاره ای جز این نیست و بود و این امر بنام معنی شد و ذی در برابر آثریکهای دول مستمره دار و جنگجو است و هینطور این تصمیم کسکی نیز جماع پایدار است زیرا اگر اوانا در امر معسوس یکی از دول بزرگ جدا مخالف باشد کالی است که قمر صلح و آزادی در هم ریخته شود .

اسرار بیب اتم و موضوع جاسوسی در کانادا

در هر گونه و کنار این روزها صحبت از قضیه جاسوسی است که اخیراً در اتانوا و نقاط دیگر کانادا بظهور رسیده و می

از نطق هتر بولین چون کردستان منطقه لت خوری است لداسه قواوت شوروی - انگلستان و امریکا بدان علاقتند هستند .

گویند پیش از مداف در این مسئله منهم هستند مستراتلی نخست وزیر انگلس با مکنزی کینک نخست وزیر کانادا مذاکراتی در این باره نموده است بهر صورت چیزی را که نمیتوان تردید نموده اینست که اطلاعات بسیار معرمانه دو باره اسرار بیب اتم فاش شده .

دولت شوروی که در این مورد معسوس طرف حله واقف شده بیانیه منتشر و مریجانوشته است که اسراری که فاش شده هیچگونه تازگی و اهمیت برای آندوات نداشته متهی درجه کندذهنی است اگر کسی تصور کند این قبیل اطلاعات صلح و امینت کانادا را بشطر میآورد .

در این معسوس نه ما بلکه هیچیک از نویسندگان اطلاعات تازه و معسوس ندارند و هر چه هست اخباریست که در این روزها از تمام راديوها شنیده میشود و در روزنامهها میبینید ولی ما هم مانند اغلب اشخاص اهتراف داریم که انتشار این خبر ساختگی یا مبالغه دلچسب و تمجیب آور است .

هندوستان شفته صلح و آزادی است

هاید بجرأت میتوان گفت از زمانی که نخستین توپ های هتاهدر آلمانی بست لهستان شلیک شد و اولین سرباز روسی قدم بر مرز لهستان گذارد همه دولت های مستمره و قیبه مستمره و دومینیون و تحت العیابه از خواب غفلت بیست ساله یکسر تپه بر خاسته و طالب آزادی از دست رفته خود شده اند شورش ۱۹۴۹ هندوستان و انقلابات عجیب و بر دانسته که در اغلب مناطق نظیر هندوستان روی داد نظریه مارا در این مورد تأیید میکند و امروز پس از شش سال جنگ و خونریزی مجدداً نیز هندها با اینکه قطعاً و گرسنگر سخت آفات را تهدید میکنند طالب استقلال و صاحب معناری در خانه خود شده اند . بطوریکه کابینه کاری انگلیس کوچکترین فکرت را جائز ندانند و با فراموشی وزیر کابینه خود که با آنها سرانگاری دکریس (دوست قدیمی جواهر لعل نهرو فرد سوسیالیست هندی) نیز همراه است قضیه را میخواهند ببینند جا با بالانز و پالین تر خانه دهند . در کراچی و بسپتی و کلکتا و اشاع منشور شوروش روز بروز پر دامنه و وسیع میشود فرماندهار پنگاله تمویض و سر فروردیک مارور بجای کیسی منسوب و اتلی لطق مفصلی در پارلمان ایاد و گانهی که در رأس سران میلیون هند قرار دارد برای تامین استقلال کامل هندوستان لغایت هجیبی ابراز میدارد در اینکه در آینده آرزوی میلیون اسپر هند را جامه عمل خواهد پوشاند یا خیر تردیدی نیست . زیرا فتح و غلبه با آزادی واقعی است .

نظر کلی به روی داده های جهان در آخرین روز های هفته

اعتصاب شدید دانشجویان مصر هنوز ادامه دارد و حکومت جدید جل با اهدال سربزه توانست آرامش موقتی ایجاد کند ملک فاروق مسکن است یا (مستریوگر) ملاقات کند مستریوگر با پادشاهی بحکومت مصر فرستاده و دانشجویان بیاس رفقای شهید خود سه روز قالم شکالی خواهند گرفت .

ژرال باما هتیا از بونی بجرم اینکه از ۶۴ خطای که لشکراو کرده و بالنتیجه باعث خونریزی عظیم شده است جلو گیری نکرده اعدام شد حکومت لهستان بیایه منتشر و از کلی لهستانیها دعوت نموده که در هر کجا هستند خود را بنزد بهترین سفارتخانه مرملی و در صورت تمایل به لهستان بروند - دولت سوریه و ولینان دعوت فرانسه را برای مذاکرات درباره قضیه تخلیه ارتش و نیروی آن کشور از دو منطقه مزبور رسماً پذیرفت .

عطیه ملوکانه

از سفر اعلیحضرت همابولی مبلغ پنجاه هزار ریال برای امور خیریه سفر اعطالرموده اند .

خبر نگار نامه کوهستان - هوشته

پلم آقای ناصر توانا از سنندج (اعلام خطر)

شب روز - و روز بمرمت شب میشود روز گار به گردش منظم خود منداومت می دهد .

سال ۱۳۲۴ نیز با تمام مصائب دارد سبری میگردد ما مردم فلک زده بسواپ صیق و سنگین فرورفته ایم فساد اخلاق دزدی و تخاب و ترویس، بی حقیقتی و دروغ در تمام دستگاههای اداری و مراکز حساس اجنامی ریشه دوانده و جان کلام اینجاست که نظارت همگانی و مهم هموسی را همین فساد خانه ها باید پیچیده گرفته اداره کنه آوری همان دنه های فکته و چهره های زنده و بیچ و بهره های ناجور گرداننده این دستگاهند - حقایق رخت برست هر سری سودا می دارد من به هم دروغ بسگویند و هیچکس بقول دیگری اعتنا ندارد به شکایات مردم سندهیده و نمی گداشته نی شود مزایشو و نظلمات حالت کاغذی باره های را بهم رسانده که باید در سیدهای گردا نشت افکار بعد اعلا رسیده - حزب و حزب بازی حالت موع و مبتدلی بود گرفته است من راه علاج و چاره دردهای مزمن را غیر مسکن میدانند - کایه هر روز بناچار سقوط میکند - اختلاف آراء در کبه آمل علی، ز بروز ثبوت می باید سر نوشت کشور مجبول است ۱۱ و کلا بهم نعتش برتاب میکنند گزسته های ادارات باشظار یک دو ازدهم اخیانیه میکنند ، هراسمت و هر آن در گوشه ای آتش نا امنی و تجزیه و خود سری مشتمل است ، بر حسب وده های صریح مهبان های ناخوانده مازودتر رفع زحمت نیکنند و میخواهند ما را بحال خود بگذارند شاید آزاده بروز سیاه خود بیندیشیم و راه حلی بیاییم صلحای نوم در اقلیت واقع شده اند زها و متفکرین چون مشتری برای کلاهی فکری خود نی یابند لاجرم اب فروخته اند نویسنده گان از بس گزسته و نوشته دیگر ارجح وارزشی برای گفتارشان نمانده از تکرار مکررات مایوسند در میان این جهنم عیب امواج خروشان اقبانوس زدگی کشتی ایران عزیز را سست بلاطم انداخته - سخی زندگانی در طبقات متوسط و پست بعد اکثر واعلا رسیده آخرین رفق از جسم قانون و آخرین اور از چشمان کم فروغ آنان پا بزار است !

پول دار ها جز الفراط در شهوات پست و انهبانک دلدات و لغون در بستر ناز و آرایش یا لیدن در میل های راست و نشستن در مقابل بهار بی پای سوزان فکر دیگری ندارند به مستندانی که در کوچه

در گذشت

بهین وسیله در گذشت شاه روان عبدالعسین اردلان را در اسفهان باطلاح دوشمن و آشیایان و غامبل آن مرحوم می رساله

مجلس ترجم آن مرحوم روز پنجشنبه ۱۱م اسفند ماه جاری ساعت ده صبح در مسجد مصوده برقرار خواهد بود.

شاد روان عبدالعسین اردلان سالیان دراز عمر خود را در خدمتگذاری در ادارات دولتی خصوصا وزارت دارائی مصروف داشته و اخیرا در ماموریت اسفهان پس از چندی سیاری بر حمت از بدی پیوسته شایسته است اریلی وزارت دارائی نسبت به خانواده بی سرپرست آن مرحوم توجه خاصی مبذول داشته .

کارکنان روزنامه کوهستان مراتب تسلیت خود را به بازماندهگان آن مرحوم خصوصا جناب آقای هرالک اردلان و آقایان حسن اردلان - دکتر منصور اردلان - سروان مصود اردلان تقدیم میدارند .

های زندان می غذا و مسکن استفاده اند توجه ندارند و زحمت نهایی این وضع را در نظر نیگیرند ا

طبقه اداری یا محوره پامیدزدند و میبایند یا مددی بیکار و روزگاری در رفتن با آتیه مجهول و شکم گزسته بطرطس بازی (ودلبز جامان من) - سرگرم مالی از ملت و وقتی از خود تخصیح و معیبت ازه بر مصائب مردم می افزایند - تمام این بد بختیهای که شرح آن رفت همه مولود و نوع بی ایسانی است زیرا دوری از خدا و گریز از حقیقت جهانی رسیده که بدست آوردن یک مسلمان و مؤمن واقعی مشکل و غیر مسکن است ، و اگر در گوشه و کنار زاده سالوسی یا صولنی ریاکار یا منظاهر ریشویی می بینند دامی بیش نیست ، در میان این لوبب سوزان و جهنمی که نامش زنده بودن یا زنده گانی است همه دست دوی دست گذاشته و یا در خواب خوش غنوده منتظر مهدی موعود یا غرض زنده ایم که بیایند اصلاحاتی بکنند !!

(ای مستان پاده غفلت اعلام هیکنیم) که اگر اندکی بخود نیابیم و تکالی خود را و تغییر رویه و منشی ندیم روز سقوط وساعت فانوگاه ذوال سبار و دیاب است - هنگامی بخود می آیم که کاخ دروغ و زور بر با مصالح پوسیده طلب و خیانت و بی حقیقتی بر سر ما فرو می ریزد و اجسدناوران و نیم جان ما با منفعات درخشان تاریخ باستانی و مدیته و ملیت مان برای همیشه در زیر آن نمون میماند حال خوشی فرس کینه خود دایم .

این رایجان کر اول پیدایش جهان تا دیدگان مهر و مه و چرخ دیده اند اهریمنان زشت که از دست سر نوشت لر دآوری و کیلر بردان جهیده اند خواهیم دید روز خرابی این تصور وجدان و عقل در دود درازم دیده اند

پلم بانو دوران دهبی زن با سواد از کرمانشاه

علمای علم اجتماع متفندند که فقط با ایجاد خانه های منظم و با سواد میتوان جماعات واقوم نیرومند تشکیل داد و بدینوسیله اصلاحات اجنامی را عملی ساخت - چه بسا افکار بلندی که در محیط پریشان خانه و فضای پراکنده رنج دیده و اسفند مانده ه فقط کم ترین اثر ظاهری داشته بلکه اداره اساسی خاندان را پریشان تر و بی سامان تر کرده است.

داشتن سواد و با معلومات بودن زن در ایام پیشین و دیای شدن اسلامی خصوصا قبل از غلبه منول رونق پسزانی داشته چنانکه یکی از بزرگان آن زمان زوجه خود را بعلت نداشتن معلومات کافی ترک کرد . انوسوس که اکنون ناموشانی از آن افکار و آداب درخشان بر جای نمانده است .

آیا زنان جوان وی اطلاعیکه بوظائف خود رفتار نکرده نود شوهر و اولاد نالایق جلوه گر شده مبددا مقام و حیثیت خود را بدست آورده و توانسته اند از بی اختیالی شوهر و خود سری اولاد جلوگیری کنند یا صدمتی که از بی موافقتی در حفظ لطمه منزل متوجه ایشان شده و مضارح پیورده که سبب قروض کثرتشان و فقر آنان گردیده جبران نموده اند.

زندگانی سابق و امروز تفاوت بسیار دارد لازم است زن باسواد بوده تجربیات دیگران را کار بست خود را برای مسئولتهای زندگی آماده سازد .

زن تحصیل کرده علوم و فنون اخلاقی را که در طی دوره مدرسه فرا گرفته در منزل که حقیقه میدان آزمایش فکر و لیات است بکار خواهد برد ، آنچه در تشکیلات بدن انسان و تولید میسر و بیا در طرز جلوگیری از آن میدانند در حفظ لطمه خانوادگی بکار خواهد برد . شناختن مواد حیوانی و نباتی و راه تهیه اغذیه مناسب و آشنایی بفتون چه داری را در پرورش اطفال خود ملاحظه خواهد نمود ، و شوهر عالم ه چگاه از شنیدن گانه مادر شوهر و غامبل شوهر بیبناک بوده آنان را معذوب و معیوب خویش میگردد . زن با سواد ایسان کامل میداند داشته و مضارقات و اوام و قبی نیگدااره زن تحصیل کرده میکوشد فرزندان لایق و شجاع و مبین پرست در دامن پر از علم و هنر خود پرورش داده و بیین هزیر خود تقدیم نماید . خانم خانه دار باسواد باید از پرورش روح و جسم خود غفلت نرورزید و با مطالعه کتب و مجلات سودمند روزگاری و تمامی دیای متعین را در بنامه تادرو وظایف اجنامی که بپیمه دارد بنواند وظیفه مقدس خود را بنحو شایسته ای انجام دهد .

چگونه رای دادند

مدرسه هدایت سنندج برای اهل رای آماده شده بود . رای دهندگان ارحیاط قبالی وارد و از درجنوبی خارج میشدند ساعت ۸ صبح اهل رای شروع شد افراد پاپس، عدهای اقبالی و افسر گویه و جیاط را مخالفت میکردند مردم تست بنست جیاط وارد و به ستون ۱ بجای صندوق رای که در طبقه اول جیاط جنوبی دبیرستان قرار داشت هدایت میشدند . عده پاپس و ماورون انتظامات و نظامی در جیاط هادراین روز از تعداد واردین بیشتر بوده صندوق در داخل اطاقی قرارداد که یک شیشه از دو آت را برداشت در حالیکه همین نظر در دون اطلاق بودند رای دهنده میتوانست یک دست خود را که حامل تعرفه بود وارد کرده و دولتر تعرفه را با دافناثر تطبیق و تعرفه را باطل میسودند و مسترد میشد.

فرماندار از صبح در اطاق حضور داشت شهربانی با ایننگ خوب نظم را حفظ کرده بود ولی زبانه از حد آتجا را اشغال کرده بود ولی در هر حال مردم سنندج با شور و ولع زیادی صبح جمعه را به صلورای هجوم آورده و اسراری در دادن رای داشتند . دست ای ممدود با یادوها و طرنداران و نوکران خود بهر طریق متشبت عده سعی میکردند آراء مردم را عوض سنندجی میم در اینکار صبح توفیق حاصل کردند ولی بعد از ظهر مردم منوجه شده و کسی از مقام مانع از سوه استفاده آنان شد بمرحال تا ساعت ۹ شب فقط ۳۸ تعرفه مانده بود که صاحبانشان با مریش و دود بالو بستند در اجتماع شبلی نگران بوده از دادن رای خود داری کرده . میتوان گفت بر خلاف ادوار انتخاباتی پیش جنب و جوش مخصوص جریان داشت .

بزم آقای محمد مردخ کردستانی

کرد و کردستان

- ۱۷ -

(سنة اردلان)

ازضا يك گلره ياي حسنلي خان خورده مهروج ميشود با آن زخم برادر شادوا از دسترس دشمن غارچ سكرده و اجاره مرخصي ميگيرد ولي پيش از امان - الله خان پسر خسرو خان والي و سبحانوردي خان پسر محمد مومن خان كه داماد امان - الله خان بوده اند پاچهي از روستاي كردستان كدر اردو بوده اند با هم منقذ شده بزم افسار حكومت كردستان سبقت ميچويند و هشت روز پيش از ورود حسنلي خان وارد سنه دژ ميشود محمد رشيد بيك كه در حال مرض بود با آنها مواقت نميكند هيچگونه حسنلي خان بنزد بيك نرسد ميرسد سبعلن و رود سبعلن و امان الله خان هر دو پريسون و از آنها سبقت فرار ميكنند حسنلي خان هم پشت سر آنها وارد شهر شده بمالجه زخم پا ميبرد از او امان الله خان وسجن و رودي خان پناهانده به عبد الرحمن پاشاي بايان شده جميت نظري سردكي عليهم بيك برادر خود كه مشهور به سليم سرتك بوده بكمك آنها ميرستد

مشارالها با جميت سز و بايه و سپاه بايان وارد مريوان ميشود حسنلي خان و محمد رشيد بيك با كوچ و ۵۰۰ و ۱۰۰۰ كسان خود حرکت كرده ببيان دويند و عاهدت ميرود از آنها قاصد نردوالي بنهاد ميرستد و شرح لشكر كشي پاشاي بايلان را بوالي ابلاغ مينمايد ملا شريف قلبي را هم نزد سليم بيك ميرستد كه در مريوان قائل بصيرو سز و بايان اكر از طرف والي امر رسيد كه كردستان جزو روم باشد ما هم بدون جنگ اطاعت خواهيم كرد اكره آنوقت ايشان ممانت خواهند بود يا امر والي را اطاعت كنند يا نمرود نمانند بعضي رسيم قاصد حسنلي خان به بنهاد نورا والي بنهاد امير پوخت جميت بايان صادر و قتل ميكنند كه به چوپره حق تجاوز از سرحد ندارد پس از مراجعت اردوي بايان حسنلي خان و محمد رشيد بيك بنه دژ مبادرت نموده در ذي حجه ۱۲۱۲ هجري امان الله خان رهسار تهران ميشود.

سجانونرديخان و ساير رفقا هم پس از چند روزي باستاءات حسنلي خان بنه دژ مراجعت مينمايند فقارن اين ابام كه ندي حجه ۱۲۱۲ هجري بوده حسنلي شاه جاي هم خود بر اديبه سلطنت و او را ملك شاهي جلوس نموده و سماء از جلوس او گذشته است محمد رشيد بيك هم مرض شدت پيدا كرده رهسار تهران ميرود كه هم مرض غروردا سالبه كند و هم اقدامات امان - الله خان را هم سازد و حكومت حسنلي

خان را در دولت جديد استقرار دهد از قضا پس از ورود او تهران پناهانده هشت روز از دنيا فرميگذرد كمان و نشوي و با بگردستان عودت ميدهند و حسنلي خان پس از توفيق مشاورايه منصب و كالترا بجهت زمان بيك پسر كيش او كه داماد و شوهر هديه حسنلي خان بوده واگذار مينمايد (منصب و كالت در آن زمان يعني معاونت امروز بوده است) حسنلي بيك پسر محمد رشيد بيك و دولتر از برادران قلبي او احمد بيك و نصر الله بيك از انتخاب محمد زمان براي وزارت مكررو مابوس شده با چي از اهله و اعيان بيك همدست شده در محرم ۱۲۰۳ بر عليه حسنلي خان رهسار تهران ميشود و در آنجا با امان الله خان ملحق ميگردد و بالا اناق شروع بشكوه و در دل از وضع حكومت حسنلي خان مينمايند در آن هنگام حاج سز و امان الله خان هم كه بتل استيفاي دربار پادشاهي مقرر شده بودند واحد بيك هم ست دمادي نسبت باو داشته در مدد ايشان از بلل سامي تصور نميورزد و حاج ميرزا ابراهيم خان صدر اعظم شيرازي را هم براي ايشان حاضر مساعدت ميكنند كه بالنتيجه امريسه احضار حسنلي خان صادر ميشود

باصله چند روز حسنلي خان وارد محمد زمان بيك را بيزه همراه خود برداشت و پس از ورود حسنلي خان چون موكب شهرهار به تدبير خراسان در حرکت بوده است انجام امر را بسراجت از سز خراسان موكل مبادرت طر اين ملتزم ركب بوده تا موكب مهايون از سز خراسان مراجعت مينمايد كه به تقيت امر رسيدگي نموده پس از ثبوت بپردگي حسنلي خان در سز ۱۲۱۴ هجري فرسان و خلعت حكومت كردستان با اسم امان الله خان صادر و حسنلي خان و محمد زمان بيك و كبل منزل و محمد رشيد بيك خلف محمد علي سلطان و نظره بيك د خانه و سگار بيكي كه همان حاج ميرزا ابراهيم خان صدر اعظم شيرازي باشد توفيق ميشود در اختيار بيك پسر بزرگ محمد رشيد بيك به مقام و كالت نال ميشود.

کوهستان می گوئیم.

از سنج

اتر طبع حيران

هو گيانم برين داره نگارا دردم افزونه
دمي نانوم له برترچه و برزي دل كه منقوه
ستكاراني موگان صف نصف جوري نالي كن
سرسر سال و ناموسپان دبرد اوجيشه موزوله
دودهده مستفتلي كرده و حلي تيكلي كرده
له بين اودر صله كم بوگه او خوله نواره ميگوه
به امالي فرش او قاصده واي كرده روسي
به نشين توي له من ريشانوه شياد و ملوه
اي او بيكهي بكري چنابت كار و خانن بو
سزاي من نظري تو اوبو به غلبش هنده مقروه
اتوي تو خدا قتلني مني بو كرده خطام جي بو
چرا كي حوتو اناقم له پرديسه ووي گلگونه
له روزي كه ورتقب غوي محرمي وازو نيازه كرده
له عدا الله الله اللى ميجوره وه گونوه
سراسيه له كيوانم كه شوي زار و گريانم
ذبولي اشكي مرجانم له چاو كي رودي جيجونه
قصه بي شينايي خرم له كزي را كرتوه نران
كسي جي وطن غوي بي اوه ايماني مصنوعه
هدوكي دوس اي بيكاه عاوسي بيخوش نايي
خلاني عهد اكن نامرمن اوجوه اذيره
ندا كاري له مرزو روسي ممشو كراتي كه
بر ابو قاضي شم بوگي هاشانوه ميوه
گرفتاراي زان و بر چي تو كي اين باهي
بتالي زلفه زچيرن اسيري شاكي منقوه
امن خاكو خولي كوي تو اناچاوم و كورمه
اطامه امرو وك پاشاه لام لرشيكي ماهوه
وطن غورقه بقريلن بي وفايي و هجرته نايي
تولاس له مذهب هاشانوه خو كاري ميجونه
كزي مشائفي حايي خالي كمي روي زياتم
پشطلي كچنين لوغاله بي لي بي چنو چوه
چلبي چيرالي تو چرگي برهم ام چاره هل ناسم
بچاوي خود دينم قايش و امشو شيبوره
به تقانم و ره سازود ترسم اوردس و برد كا
كسي گيانم كه اوه سلبني كالمجه محروه
اكر مياي هياتم كي هتاوو بي اوه ديره
در اينه كبا نودل جبران له بي سروشوه

اسامي آفاباني كه در سنج براي كهك به

- ۱ - آفای حاج مشيردوران ۵۰۰۰ ريال
 - ۲ - آفای حاج سالار فاتح ۵۰۰۰ ريال
 - ۳ - آفایان سادن و زيري ۵۰۰۰ >
 - ۴ - آفای ميرزا مسعود و زيري و خانم ۲۰۰۰ >
- آفابان سنه جي ها هم جمعا پرداخت مبلغ ۱۳۰۰۰ ريال راتمه ندوده اند.

آكهي حصر و رات

آفای اسماعيل متد و زيري دادخواستي به دادگاه بخش كردستان تقديم كه آفای حاج محمد تقی متد و زيري مقیم دائر سنج به رحمت ايردي بپوسته و رات آن مرحوم محسوسه زوجه (بار ماه دشواره) و چاريسر (آبان بداد منند و زيري - حاج اسدالله - اسماعيل مهدي) و بگدختر (بار هدا سلطان) ميباعد. باستناد گواهينامه حلي و رونوش شناسنامه براي استفاده و رات از كلبه تركه مرحوم مورث صدور گواهي حصر و رات خواستار شده اند امر انبسه بار متوالي دوروز نامه دسي روزنامه كوهستان درج ميشود اكر كسي و خواهي دارد باوصيت نامه از متوفی زنوار هست از تاريخ نشر اولين آكهي نامه ماه باين دادگاه تقديم والا گواهي صادر و دستنامه جو روسي و سري ناله لا اذراست.

۳-۱ رئیس دادگاه بخش كردستان - غيايي

بنام آقای سلیمان بوسی
لیسانس حقوق

گرمانشاه متروک

- ۱۸ -

سنجایی

- ۱ -

باصطلاح عرف محل (کردی) این طایفه را سنجاری (یکسر اول و سکون ثانی) میگویند.

مشقات طایفه سنجایی

سنجایی از سه منشأ ناشی میشود: ۱- قسمتی از آنها از فارس آمدهاند و اینها عبارتند از تیره خوانین سنجایی که در سنجایی آنهار تیره چالادی (۲) (چالایی) میگویند.

این تیره خوانین چهار خانزاده بزرگ هستند: خانزاده بختیار که خانزاده سرداران سنجایی است همیشه برای این ایل ریاست داشتهاند.

خانزاده برغورداد (بختیار و برغورداد برادر بودهاند) که از آنها عده معدودی باقیمانده اند.

خانزاده غلامحسین

خانزاده الهی خانی

علاوه بر خوانین دستههای مختلفی به اتفاق آنها از حدود فارس کوچانیده شده اند مهمترین این دسته ها عبارتند از تیره دستچه و دار غور و اراسته و نه هواسون و درویشها و مجری لام (دورهبر و تاد) - دیورود و بیوه چشندان (سه تیره اخیر امروز از بین رفته و با در تیره های دیگر مشتمل شده اند)

کوچاندن این طوایف ظاهرا ۲ مرتبه صورت گرفته یکمرتبه در زمان صفویه چون سرحد غربی ایران خالی بوده طوایفی از فارس و لرستان باین مقعات کوچانیده اند مرتبه دوم گویا در زمان نادر شاه باشد

۳- دسته دوم از حدود شهر زور و دیاله آمدهاند و اینها را بنام جمعی دالیان (که گویا مشتق از لفظ دیاله باشد) و مهم ترین تیره های فعلی آن عبارتند از تیره صوفی و خسرو و کل کل

۳- یکقسمت دیگر از طایفه سنجایی از لرستان کوچانیده اند و آنها را بلفظ جمعی و باصطلاح محلی ورده دسته (خرده دسته) مینامند و مهمترین تیره های فعلی آنها - هارند از سبینه و نند و جیلو و سرشکی (سورکی کردی آن است)

تاریخچه مختصر خوانین سنجایی

موتییک طایفه خوانین را از فارس کوچانیده اند رئیس آنها شیخ علی نام داشته و این شخص سه پسر داشت:

هروشه - علی زمان - و مراد علی. هروشه جد بزرگ خوانین الهی خانی است مراد علی بزرگتر از همه برادرها بوده و جد اعلی خوانین فعلی سنجایی است.

مراد علی بعد از پدر کلاتر طایفه سنجایی بوده و بعد از او پسرش منوچهر

ایل (۱) جلیل سنجایی که در قسمت باختری ایران و شمال کرمانشاه و شمال غربی کرمانشاه واقع است از لحاظ زمین پرستی و آزادی خواهی در تاریخ ادوار اخیر این کشور جایگاه مهمی را دارا است و همانطوریم که آقای سرلشکر رزم آرا در صفحه ۲۲ کتاب خود نوشته اند این ایل یکی از طوایف نامی کرمانشاه است که در جنگ بین الملل اول از اعطاء حفظ حدود و تیر کشور و رساندن شجاعانه خود تلفات زیادی منحل گردیده است.

این ایل در حدود ده هزار خانوار دارد و قریب هزار خانوار از این ده هزار ایلان و قتلان میسایند و ۹ هزار خانوار دیگر بطور دائم در محال بیلابلی و قتلانی سکونت گرفته اند و افراد این خانوار ها عموما بلند قد و ورزیده و رشید و خوش قیافه و شجاع میباشند و سوارکاران این ایل در آن صفحات کم نظیرند و بهین جهت در سابق از همین طایفه در موقع سیخ یکمده سوارکار گرفته میشد.

محل سکونت بیلابلی سنجایی چلگه ماهیشت است که از سراب نیافر شروع شده و تا حدود روانسر ادامه دارد و دارای سیمه پارچه آبادی است و محل قتلانی آنها در حدود قصر شیرین و قلعه سبزی و بقیه و قطار و آن داغ و زهاب و جگبران است.

در میان این طایفه سرداران معروف و وفادار پرستی پیدا شده که متعلقه دولت های وقت نتوانسته اند از وجود آنها که جز خدمت باین آب و خاک نظری نداشته اند استفاده نمایند

یکی از این سرداران مرحوم علی اکبر خان (سردار مختار) سنجایی است که علاوه از رشادت و بیجاقت فوق العاده ای که فارا بوده است همدستی نهم و با کمال بوده و یادداشتهای مختصری هم راجع بایل سنجایی نوشته است که ما اکنون با جرح و تعدیل مختصری قسمتی از آنرا در این مقاله مورد استفاده قرار میدهم.

وجه تسمیه سنجایی

بطوریکه خود سنجایی ها نقل مینمایند در زمان پیشین عده از خوانین آنها حصه برای صل و فصل امورات ایلی بوالی - کرمانشاه مراجعه کرده بودند در دور بقه پالتو یا لیس آنها پوست سنجاب بوده و باین مناسبت آنها را بلفظ عام سنجایی خطاب میکردند و بتدریج این لفظ عام شده و باین نام موسوم شده اند ولی ناچه اندازه این روایت مفرون بحقیقت است معلوم نیست.

آگهی حصر وراثت

فاطمه خانم جهانی دل در خواستی به دادگاه بخش کردستان تقدیم کرده که چون پنهانی مقیم دائم دستخ اوت نبوده و اوت او محصر بشماره (زوج) و یکسر (مطاه) یکسختر (حاجیه) میباشد. باستناد گواهی گواهان محلی و روایت شناسانه برانه استناد از صلیبه ترخسه متوفی مدور گواهی حصر وراثت خواستار شده لذا مراتب را سه نوبت متوالی در روز نامه رسمی کشور و روزنامه کوهستان دوج میباید اگر کسی و اخوانی دارد از نشر اولین آگهی تا سه ماه باین دادگاه مراجعه والا گواهی صادر و وصیت هم جز رسمی و سری فایده نایز است.

۳-۲ رئیس دادگاه بخش کردستان - خیابانی

آگهی حصر وراثت

بتاریخ ۱۳۲۴/۱۰/۱۷ بانو فاطمه امیرصفت طبق تقاضای نام شماره ۷۹۸/۲۴ باستناد بیک برگ برش نامه و روایت شناسانه خود و خلاصه برگ تقاضای حصر وراثت را نبوده بدین توضیح که مرحوم مشهدی حسین دشتیان کرد بچه دارای شناسنامه شماره ۹۷۹۶ در سال ۱۳۱۰ در تهران جایگاه دائمی خود مرده و ورثه مرحوم حسین الموت منحصر بوده بتقاضیه شناسنامه ۲۹۹۶ و ماشاء الله یکم اقبال طلب شناسنامه ۹۴۳ دو هیال و یکسر بنام علی اکبر کرد چه از بطن متفاضیه و غیر از سه نفر نامبرده ورثه دیگری ندارد در خواست صدور گواهی حصر وراثت نبوده است پس از شنیدن گواهی گواهان مراتب سه نوبت متوالی ماهی یکسار در روزنامه رسمی کشور شاهنشاهی و روزنامه کوهستان آگهی میشود با گذشتن مدت نبودن معترضی بر حسب تقاضا اقدام خواهد شد و نیز متذکر میشود اگر کسی وصیتنامه از متوفی دارد در ظرف مدت مزبور ابراز والا هر وصیتنامه غیر از رسمی و سری ابراز شود از درجه اعتبار ساقط خواهد بود.

رئیس شعبه دادگاه بخش طهران خلیل صبری

۳-۲

جانشین او شده.

منوچهر هم دوسر داشت برغورداد و بختیار که هر دو آنها معاصر محمد شاه قاجار بوده اند و بختیار بناسبت خدمتیکه بدولت و شکر کرده ملقب بملب خانی شده است.

بختیار خان دوسر داشت یکی حسن خان و دیگری ابراهیم خان و حسن خان در حقیقت موسس طایفه سنجایی و شاید بزرگترین مرد این خانواده باشد تا زمان حسن خان طایفه سنجایی جزء ایل زنگنه بوده و از زمان او بیده بوجوب حکم دولت از زنگنه مجزا شده و به صورت ایل واحدی بریاست حسنگان در میاید.

حسن خان مردی بسیار متول و شیر بوده و بیش از پنجاه پارچه آبادی مرغوب خریداری شده داشته است یکقسمت از این املاک را میجانا و با قیمت نازلی اقساطا بفروشاندن خود داده و آنها را مالک کرده است.

مرحوم حسنگان دارای ۶ فرزند ذکور بوده که عبارتند از محمد رحیم خان - آقا خان - کریم خان - خدا مراد خان - خسرو خان و شیر محمد خان صمصام الدمالک.

(۱) ایل یکسر اول و سکون ثانی مجهول و لام بانف سربانی یکی از نامهای خدای متعال است جل و جللاه و بزبان ترکی یعنی دوست و موافق و رام باشد که قریب وحشی است و مردمان و جماعت را نیز گویند و عیال و ازبیم و بند که فافله صغار باشد و یکسر اول و قح ثانی مشدک و گوهی باشد.

گویند چون بسیار شود بینی خود را بر سر و اخ مار نه بندن مار را بجواب خود کشد چنانکه مقتضای آهن را چون مار را بخورد شفا یابد و بمری بقرالوش خوانند و بعضی گویند ایل کوسفنه کوهی است و خون او علاج کسی است که زهر بوی داده باشند و پشم اول هم گنه اند.

«برهان قاطع»
کله ایل ترکی است و استعمال آن از زمان استیلای منول در ایران بوده و معنی آن طایفه است.

(۲) چالادی یعنی کردی یعنی چال آب ولی اشتقاق این کله معلوم نیست که از چال آب است یا از تیره چلبی است که یکی از طوایف بزرگ کرد است.

جواب جیب

مقدمه

برای روشن شدن ذهن خوانندگان در زمینه قضیه مورد بحث شرح مفصلی از طوایف کرد موجود در فارس که در دوره معاصر ظهور سلسله ساسانی و بعد از آن بطور منتهی لازم بنظر میرسد. وجود طوایف کرد را در فارس - دوره هخامنشی و اشکانیان مورخین و جنرالی نویسن یونانی از قبیل اراتسن و استرابون و غیره با اسم کردک و کورومی در کتب خود تصریح نموده اند و وضیعت این طایفه در دوره ساسانیان که اطلاعات تاریخی واضح آن خنای بیش از دوره های دیگر است بوسیله مورخین و جنرالی نویسن نرون اولی اسلامی از قبیل طبری - مسعودی استخری این حوتل و غیره بطور نسبتاً روشن و جامعی در تالیفات آنها ذکر شده است که به واسطه قریب عهد یزمن ساسانیان و استفاده از متن های پهلوی که در دسترس آنها بوده اظهارات آنان جزء منابع تاریخی قابل اعتماد دوره معروض مصوب است (جلد های ۶۵ و ۶۶ جلد اول ایران باستان و اجمع بنا بر تاریخ ری می مراجعه شود).

بطوریکه مورخین و یوز منویسند طوایف کرد مقیم فارس در دوره ساسانیان پنج رم بوده اند - اسطخری در جلد ۱ کتاب خود وضیعت رم های مذکور را اینطور شرح میدهد اسم رم برای نمایان مناطق کردنشین در آن اتلیم (فارس) وضع شده و هر رم که جمع آن رموم است سزله یک شهر مرکزی برای کردها بوده که رئیس کردهای آن شهرستان موظف بوصول مالیات و خطاسیت آن جا بوده است - اینک اسامی رم های مذکور در فارس:

۱ - رم های جلویا - یا - رمیجان (کوه گیلویه فلی)
 این منطقه متصل سرز اسفهان بوده ۲۰ - لاولی جان ، این شهر از و خلیج فارس ۳ - دیوان ، در شهرستان خاور ۴ - کاربان ، در حدود کرمان ۵ - شهریار در حدود اسفهان و باین رم اسم شهرت با زمین که یکسخت آن در ولایت اسفهان پراکنده بوده اند در اطلاق میشود.

اسطخری بعد از این اسم ۳۳ شهرت کرد مقیم فارس را ذکر مینماید که این حوتل در کتاب مسالك و ممالک (مولف در ۳۳ هجری) بتل (دیوان سده) (دفتر مالیات) و هندسی در کتاب احسن التلخیص (مولف ۳۲۵ هجری) بز اسم آنها را ذکر نموده که در این جا فقط بدگر اسم دو شهرت رمازو و شاکالی که بعد از این ابلیس در فارسنامه آن ها و او و طایفه از پنج طایفه شبانکاره مصوب مینماید و ذکر آنها در بررسی های بعدی ممکن است مورد احتیاج باشد اکتفا میکنیم (بطوریکه در دایرة المعارف اسلامی جلد دوم منویسند فضلویه موسس حکومت شبانکاره فارس از طایفه و امالی بود)

رقم ۵۰۰/۱۰۰۰ خانوار که طبری و ابن اللطیف و غیره برای جیب کردهای فارس قائل شده اند هر چه هم مبالغه آزر باشد مینماید یک حقیقت را که بسیاری و بیروندی کردهای منیب فارس است نشان میدهد.

این بلخی در فارسنامه منویسند ، ذکر کردان پارس به روزگار قدیم ، کردان پارس پنج رم بوده اند ، پس از ذکر رم های پنجگانه منویسند و چونان شوکت کی لشکر فارس را بودی از این کردان بودی کی سخت سپاه بودند و با اسبان و سلاح و چهار پایان و در عهد اسلام همه در جنگها کشته شدند و در جهان آواره ماندند .

موضوع تفلات وارده بکردهای فارس در جنگ بر علیه اعراب مسلمان مهاجم را طبری بز همین صورت در تاریخ خود ذکر نموده و شاید ماخذ این بلخی بز همان تاریخ طبری باشد .

وارد

آقای دکتر اردلان مدتی محترم روز نامه کوهستان

امروز مقاله آقای کاطم و کپل دوست

محترم خود و بز فرضی را حقه شمارد ذیل آن مرقوم فرموده باید خواهم احترامی را که جنابالی برای عقاید و احساسات اخصاص قائل میشوید همانطوریکه از مذاکرات چند روز قبل سرکار استنباط کرده بودم در نوشته های امروزتان هم دیدم بی نهایت خوشوقت قدم از اینکه بر خلاف تصور قبلی من شما سلبید نماینده نظریات منصفانرا بشنوید و روزنامه خود را حقیقتاً آینه افکار کردها قرار دهید .

در همین سالی که با کمال مسرت از این روش یک سرکار قدر دانی نموده موازا احترامی که برای احساسات من قائل شده اید بسیار تشکر میکنم از نظرات های لطیف و غیر منصفانه آقای جیب نویسنده گرامی شما متأزمو و تعجب میکنم چرا در مطالبی که ابتدا مربوط بابشان بوده دخالت کرده و با چلانی که ناشی از غفلت قام نیست به من حمله کرده اند .

منزجم محترم خوب بود جواب انتقاد هائیرا که من از کوهستان کرده بودم به مدیر مسئول روزنامه مزبور واگذار نموده و خود فقط جواب سوال تاریخی بنده را که مربوط بابشان بود بدهد اکنون که لازم دانسته اند برای یک بحث علمی حتماً از جناب آقای دیگر اسفاده فرمایند تا چارم چند سطر جواب تقدیم نمایم .

اولاً من برخلاف آنچه مرقوم آقای جیب شده است بخواستم بگویم منظور مترجم داشتن ملیت واحد و جداگانه است برای اثبات این مطلب فقط ایشان را دعوت میکنم بکیار دیگر نوشته مرا بخوانند .

و نایبی که طبری و ابن بلخی بآن

اشاره نموده چون خود یک دلیل بارز بر اثبات موضوع که کثرت کردهای فارس که در دوره ساسانیان میباشد بطور غیرست مانند اشاره بآن مینمایم و بعد باصل مطلب مبردازم ۱ - در سانهای واقع بین ۱۸ و ۲۳ هجری در دفاع از اهواز و ساواد را اگر کردها تستعهده اند این را تشکیل میداده اند و بنا بقول ابن اثیر (ج ۳ - ص ۱۶ تا ۱۸) اولین تلافی اعراب با کرد های فارس در بیت رود اهواز بوده ۲ - در سال ۲۵ - کرد های فارس دو مرتبه در اهواز و فارس بر علیه اعراب قیام و هورش نمودند .

۳ - در سال ۸۳ در زمان خلافت عبدالملک بن مروان عبدالرحمن ان اذمت پا کردهای فارس اتفاق نموده و بر علیه حجاج این بوسف قیام نموده و کوفه را از حجاج گرفته و در همین موقع کردها بر تمام فارس استیلا یافتند و پس از غلبه حجاج بن بوسف خود را عزاد معروف کرد های فارس بواسطه خورش مزبور چهار قتل عام دستتاکتی شده .

تا یا اینکه من در یک افتاد بصوب از روزنامه کوهستان از موقع است نموده افتادهای دیگری را هم بیان کرد ام دلیل فرضی روزی نیست زیرا من تا که هیچگونه روابطی با روزنامه کوهستان و آقای دستکر اردلان نداشته ام که برای من ایجاد فرضی نماید و آنچه که در احتیاجات ، الحاقه ها و غیره نوشته ام ناشی از عنیقه شخصی است .

آقای جیب با ذکر درود و تبریک که هر چه فکر کردم بالاخره فهمیدم کجای مقاله بنده مربوط است مرا آلا: حکومت مینتاریم دانسته اند چون: ما دارم این تشعیر و تقاضات ایشان تمام کنای

که مرا کم و بیش میشناسد به خصوص دوستان نزدیکم و خواهد شنیدند و به علاوه غایت نیست مصفاات روزنامه پیش از این برای نوشته های خصوصی اشخاص مصرف شود بدگر جوابهای بیشتری بی پردازم و منتظرم آقای جیب همانطور که وعده داده است بدون اینکه به کیم لفظی های خود ادامه دهد پاسخ مطالب تاریخی بنده را مرقوم فرماید - با تقدیم احترامات ناصر محسنی -

کوهستان همانطوریکه آقای محسنی در نامه قبلی خود که در روزنامه ایران ما چاپ شده بود تابع احساسات تنه خود شده بود که چیز هم توانست از احساسات بی آرایش خود جاوگیری کند ولی ما اطمینان داریم که هر دو جز مبارزه تلی که ناشی از یک سو تمام کوه یک بوده منظوری نداشته اند و میدانیم که هر دو جز خدمت بایران و سعادت ملت و مسکلت ففتری ما را نمایند بنویسند خود توفیق عدم اصلاح طلبان را در خدمت به مسکلت از غداوند داشت مینمایم .

رفع اشتباه

طبق اطلاع آنی که کس شده آقای سید حبیب اله لفظی شخصی مقصد و مورد احترام قاطبه اهالی دوان است و از گزارش مرفضه ای که بارسیده و نامم در شماره ۴۱۰ کوهستان تذکر داده بودیم بوزش مطلم زیرا ما هیچکند در نوشت های خود بصراحت و بیخوابیم این رویه را پیش گیریم که بیجهت دامن اشخاص را آلوده نموده ریاسی جهت از اشخاص نیکی به بی نام بریم .

امیدواریم اداره کل و آه اداری ما باتوجه خاصی موضوع را رسیدگی نماید و مسبوالفی را تمتب کند .

جای اداره : خیابان پهلوی
 شماره تلفن : ۳۹ - ۸۵
 چاپخانه کشاورزی